

تقیح چندین باره‌ی «ترور» و «تروریست» در قرآن

در آستانه هشتم شهریور؛ «روز مبارزه با تروریست» تقدیم می‌شود:



در آستانه هشتم شهریور؛ #171؛ روز مبارزه با تروریست» تقدیم می‌شود:

تقیح چندین باره‌ی #171؛ ترور» و #171؛ تروریست» در قرآن

با وجود گستردگی قلمروی موضوعی قرآن، لازمه بهره‌گیری از این کتاب آسمانی، این نیست که مفاهیم مختلف به معنای اصطلاحی آنها در قرآن به طور مشخص بیان شده باشد، بلکه برای به دست آوردن نظر قرآن کریم در باب چنین موضوعاتی، باید به قرائنی مانند انواع بیان‌های قرآن، گونه‌های مدالیل (مطابقی، تضمینی و التزامی) و لوازم و ملزومات یک مسئله، سازگاری و ناسازگاری آن با چارچوب اسلام و بار معنایی مثبت یا منفی عبارات و واژگان قرآنی و سایر شواهد توجه کرد تا بتوان نظر کتاب آسمانی را درباره آن موضوع بدست آورد. با توجه به این که موضوع ترور نیز معادل لغوی قرآنی ندارد، برای به دست آوردن نظر قرآن کریم از چنین روش‌هایی بهره‌گرفته شده است.

* فرق بین مفهوم قرآنی #171؛ ارهاب» و #171؛ ترور»

اشاره: #171؛ ترور» در اصطلاح امروز هر چند در عربی به معنای #171؛ ارهاب» به کار رفته است ولی می‌توان به یقین بر این نکته تأکید و پافشاری کرد که میان مفهوم قرآنی #171؛ ارهاب» و #171؛ ترور» تفاوت‌های ماهوی و اساسی وجود دارد و برابر نهاد و کاربرد اصطلاح قرآنی #171؛ ارهاب» در اصطلاح غربی #171؛ ترور» نه تنها موجب توهم یگانگی این دو عبارت می‌شود بلکه آثار مخربی در فهم و برداشت از آیات قرآنی به دنبال خواهد داشت. چنان که اگر کسی با مفهوم و معنای امروزی #171؛ ارهاب» که در ذهن فکر عرب زبان به سراغ آیات قرآنی برود این گمان بلکه قطعیت در او ایجاد خواهد شد که قرآن نه تنها بر #171؛ ارهاب» و #171؛ ترور» مهر تایید نهاده است بلکه آن را به عنوان شیوه و راهبرد اساسی در دستور کار مؤمنان قرار داده است.

به این معنا که اگر کسی با توجه به مفهوم امروزی این واژه به سراغ آیه: ((وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهٖ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ)) [سوره الأنفال / آیه 60] برود به این نتیجه طبیعی می‌رسد که قرآن با هدف ایجاد #171؛ ترور» در جو عمومی جامعه مخالفان و کافران، تهیه هرگونه جنگ افزار و نفراتی را مورد تأیید و دفاع قرار داده است. در حالی که هیچ‌گونه ارتباط منطقی میان دو برداشت و مفهوم واقعی #171؛ ارهاب» و این آیه و برداشت امروزی که بیان شده، وجود ندارد و این توهم و خلط، تنها به جهت نادیده گرفتن کاربردهای امروزی این واژه و کاربرد قرآنی آن پدیدار شده است.

از این رو لازم و ضروری است که با توجه به مفهوم #171؛ ترور» در فرهنگ امروز و دیروز، بدون توجه به واژه #171؛ ارهاب» با معنای امروزی آن به سراغ آیات قرآنی رفته و نگره قرآن را در این مسئله جویا شویم.

* مفهوم اصطلاحی #171؛ ترور»

آن چنان که در کتب واژه‌شناسی چون فرهنگ بزرگ سخن، مجلد سوم صفحه 1717 آمده، واژه #171؛ ترور» در معنا و مفهوم زیر به کار رفته است:

هر عمل تهدید آمیز و ناگهانی از پیش برنامه ریزی شده که به قصد کشتن فرد یا افرادی معمولاً سرشناس، یا برای ایجاد رعب و وحشت عمومی در دیگران صورت می‌گیرد #171؛ ترور» نامیده می‌شود. #171؛ ترور» شخصیت (در برابر #171؛ ترور» فیزیکی یکی از اقسام #171؛ ترور») یعنی با دروغ سازی و تبلیغات منفی شخصیت اجتماعی کسی را مخدوش کردن و وجهه عمومی او را از میان بردن است.

واژه #171؛ ترور»، از زبان فرانسوی گرفته شده است که به معنای وحشت و خوف و نیز به معنای کشتن و یا مجروح کردن مخالفان سیاسی و مذهبی به دست گروه‌های غیر دولتی و به طور ناگهانی است.

همین معنای اخیر در فرهنگ اصطلاحات سیاسی در جهان معاصر مطرح است و بیشترین کاربرد این واژه به منظور بیان چنین مفهوم و اصطلاحی است [فرهنگ علوم سیاسی]

با توجه به این کاربرد نمی‌توان واژه ««ارهاب» را که به معنای ترساندن و ایجاد رعب و وحشت است، معادل دقیق واژه فرانسوی و اصطلاح سیاسی آن دانست؛ زیرا میان این دو واژه از نظر معنای عموم و خصوص مطلق است. [1]

در کاربرد قرآنی و نیز عمومی زبان عربی تا پیش از دوره معاصر، این واژه تنها در معنای ایجاد رعب و وحشت به کار رفته است و در معنای قتل و یا کشتن ناگهانی به کار نرفته است. بنابراین نمی‌توان واژه قرآنی ««ارهاب» را به معنا و اصطلاح امروزی آن گرفت و احکام ««ترور» را بر معنا و مفهوم قرآنی تحمیل کرد. به این معنا که واژه قرآنی ««ارهاب» مفهوم و معنای اصطلاحی ««ترور» را بر نمی‌تابد و نمی‌تواند معادل آن به شمار آید. لذا نباید بر این پایه، آیه را معنا کرد و به پذیرش ««ترور» (بخاطر لفظی از ریشه ««ارهاب» در قرآن) حکم کرد و یا حتی بر این پایه به واژنش و یا رد آن نظر و رأی داد؛ زیرا برای رسیدن به حکم کلی در این باره باید به منابع و آیات دیگری رجوع کرد تا حکم مسئله را بر پایه واژگان و اصطلاحات دیگر قرآنی استنباط و به دست آورد.

* نگره قرآنی به ««ترور»

از واژگانی که معنا و مفهوم ««ترور» بر معنا و مفهوم امروزی آن دلالت می‌کند، می‌توان به واژه (تبییت) اشاره کرد که به معنا و مفهوم شبیخون و حمله شبانه به دشمن است. (مفردات راغب اصفهانی واژه بیت) این واژه از لفظ بیت گرفته شده که به معنای خانه و سراسر است. از آن جایی که انسان در شب در خانه و سرایی بیتوته می‌کند حمله‌ای که شب و هنگام آرامش و به صورت ناگهانی انجام می‌گیرد شبیخون می‌نامند. در حقیقت کسانی که در هنگام آرامش و شبانه به آرامشگاه و محل اسکان مردم به طور ناگهانی حمله می‌کنند و موجبات کشتار کورکورانه زن و کودک و پیر و ناتوان می‌شوند، نوعی وحشت همراه با کشتن را ایجاد می‌کنند که شباهتی با معنا و مفهوم ««ترور» دارد. در هر دو کاربرد واژه تبیت (و نیز بیاتا و بیوت با تشدید یاء که به معنای کار شبانه است) و واژه ««ترور» سخن از ایجاد رعب و وحشت و کشتن به میان آمده است با این تفاوت که در اصطلاح قرآنی این حمله به طور ناگهانی در شب به خانه و آشیان آرامش مردم نسبت داده شده است و این که حمله همراه یورش و کشتار و خون ریزی می‌باشد. اما در اصطلاح غربی آن تفاوتی میان شب و روز و یا خانه و یا بیرون آن نیست.

با همه این تفاوت‌های جزئی می‌توان گفت که ««ترور» و اصطلاح تبیت به گونه‌ای شباهت فوق العاده‌ای با یک دیگر دارند و از ««ارهاب» که تنها به معنای ایجاد وحشت است تمایز واضح و روشنی را بیان می‌دارد.

بنابراین مناسب‌ترین واژه برای بیان مفهوم اصطلاحی ««ترور» نه واژه ««ارهاب» بلکه ««تبییت» است.

از دیگر واژگانی که در عربی و تازی به معنای ««ترور» نزدیک است می‌توان به واژگان ««اغتیال» (کشتن همراه با مکر و حيله) و نیز «مکر» و «فتک» اشاره کرد.

در همه این واژگان معنای حيله و مکر نهفته است به این معنا که عامل هر یک از اعمالی چون «مکر» و «اغتیال» و «فتک» به گونه دور از جوانمردی رفتار می‌کند و می‌کوشد دیگری را از میان بردارد.

پیامبر(ص) مخالف رفتارهای غیر شفاف بوده است. احکام و دستورهای خود را به شفافیت و روشنی تمام صادر می‌کرد. از این رو حاضر نمی‌شود تا با ایما و اشاره که سخن رمزی و پوشیده‌ای دستوری را صادر کند.

در فرهنگ‌های تازی ««اغتیال» را به: ««إهلاک الإنسان خدعةً و من حیث لا یَشعُرُ و لا یحسُ یه»؛ کشتن انسانی با فریب و نیرنگ و به طوری که از آن آگاه نشود و احساس نکند، تعریف شده است. [موسوعه الفقه المیسره، انصاری، ج 4 ص 261] این واژه بیانگر آن است که ««اغتیال» نوعی ««ترور» انسان است که با مکر و فریب کسی را ناگهانی و بدون اطلاع بکشد.

قرآن با توجه به انگیزه‌های آموزشی و پرورشی می‌کوشد تا رفتار و عمل کردهای مردم را با دقت تمام گزارش و تحلیل کند و از این طریق شیوه‌های پسندیده و ناپسند را از هم باز شناساند. لذا؛ آیاتی که در قرآن به مسئله ««ترور» توجه دارند، شمارانندی هستند ولی همین آیات محدود به خوبی نگرش انکاری قرآن به مسئله ««ترور» را بیان می‌کند.

* نمونه‌هایی که در قرآن از ترور یاد شده است

قرآن در مسئله «ترور؛ فیزیکی به «ترور؛ برخی از پیامبران از سوی برخی از مخالفان اشاره می‌کند و در تحلیل نهائی آن را شیوه ناجوانمردانه‌ای بر می‌شمارد که مخالفان پیامبران و کافران برای از میان بردن پیامبران اصلاح گر به کار گرفته‌اند.

* نمونه اول

خداوند در سوره نمل آیات 45 تا 49 به مسئله «ترور؛ صالح اشاره می‌کند که چگونه قوم نابکار نمود می‌خواستند تا با به کار گیری «ترور؛ از وجود صالح خود را برهانند.

قرآن می‌فرماید: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ فِإِذَا هُمْ فُرِيقَانِ يَخْتَصِمُونَ*

و به راستی به سوی ثمود برادرشان صالح را فرستادیم که خدا را بپرستید پس به ناگاه آنان دو دسته متخاصم شدند*

قَالَ يَا قَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ لَوْلَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ*

[صالح] گفت ای قوم من چرا پیش از [جستن] نیکی شتابزده خواهان بدی هستید چرا از خدا آمرزش نمی‌خواهید باشد که مورد رحمت قرار گیرید*

قَالُوا اطَّيَّرْنَا بِكَ وَبِمَن مَّعَكَ قَالَ طَائِرُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ*

گفتند ما به تو و به هر کس که همراه توست شگون بد زدیم گفت سرنوشت خوب و بدتان پیش خداست بلکه شما مردمی هستید که مورد آزمایش قرار گرفته‌اید*

وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ*

و در آن شهر نه دسته بودند که در آن سرزمین فساد می‌کردند و از در اصلاح در نمی‌آمدند *

قَالُوا تَقَاسَمُوا بِاللَّهِ «لَنُبَيِّتَنَّهُ وَأَهْلَهُ ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِ مَا شَهِدْنَا مَهْلِكَ أَهْلِهِ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ * = [با هم] گفتند با یکدیگر سوگند بخورید که حتماً به [صالح] و کسانش شبیخون می‌زنیم (او را می‌کشیم و «ترور؛ می‌کنیم) سپس به ولی او خواهیم گفت ما در محل قتل کسانش حاضر نبودیم و ما قطعاً راست می‌گوئیم (تا بدین وسیله از پیامدهای «ترور؛ او در امان قرار گیریم.)

هر چند قرآن در آیات 49 تا 51 سوره نمل توضیح می‌دهد که آنان در اجرا نقشه «ترور؛ خود ناکام شدند و نتوانستند آن حضرت را «ترور؛ نمایند ولی این آیات بیانگر روشی است که در «ترور؛‌های امروزی نیز به کار می‌رود و گروهی از جامعه و یا فرد و افرادی برای رسیدن به مقاصد خاص سیاسی و اجتماعی دست به «ترور؛ اشخاص با نفوذ و شخصیت‌های اجتماعی می‌زنند، چنان که «ترور؛ صالح به عنوان یک شخصیت اجتماعی دارای نفوذ در این آیه مورد تأکید قرار گرفته است و از زبان دشمنان و «ترور؛ بیان شده است که او دارای اهل و قبیله‌ای است که پس از «ترور؛ به سراغ عاملان آن خواهند آمد تا آنان را مجازات کنند. از این رو و نیز برای رهائی از پیامدهای «ترور؛ تصمیم گرفتند که آن را شبانه و در تاریکی و نیز گروهی انجام دهند تا شخص و یا اشخاص و یا قبیله‌ای خاص متهم و مجازات نشود.

* دومین نمونه برخورد قرآن

با ترور و تروریست

دومین نمونه قرآنی که خداوند به مسئله «ترور؛ اشاره و آن را گزارش می‌کند داستان «ترور؛ پیامبر اکرم (ص) از سوی برخی از کافران و منافقان است.

در آیه 30 سوره انفال به داستان «ترور؛ آن حضرت از سوی کافران و مشرکان مکه اشاره می‌کند و می‌فرماید: «وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُبْتِلُواكَ أَوْ يُقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ

و [یاد کن] هنگامی را که کافران در باره تو نیرنگ می‌کردند تا تو را به بند کشند یا بکشند یا [از مکه] اخراج کنند و نیرنگ می‌زدند و

خدا تدبیر می‌کرد و خدا بهترین تدبیرکنندگان است.»

در آیات 48 و نیز 64 و 74 سوره توبه به مسئله #171؛ ترور» آن حضرت که از سوی منافقان برنامه ریزی شده بود اشاره شده است. گویا گروهی از منافقان در نشست‌های نهانی برای کشتن پیامبر توطئه کردند که در هنگام برگشت از جنگ تبوک در یکی از گردنه‌های سر راه به صورت ناشناس کمین کرده، شتر پیامبر را رم داده و حضرت را به قتل برسانند.

[مجمع البیان؛ ج 5 و 6 ص 70 تا 79]

در این آیات سخن از فتنه و همی به میان می‌آید که در معنا و مفهوم #171؛ ترور» است. این #171؛ ترور» نیز به اعلام خداوند نافرجام می‌ماند و آن حضرت از #171؛ ترور» رهائی می‌یابند. [همان]

در تمام این موارد پیش گفته سخن از #171؛ ترور» است و این که برخی می‌کوشند تا به شیوه ناجوانمردانه با ایجاد رعب و ترس و کشتار به اهداف و مقاصد سیاسی و اجتماعی خود دست یابند.

در دو مورد اشاره شده در قرآن هدف هر دو #171؛ ترور» شخصیت‌های بارز و مهم اجتماعی و سیاسی است. موردی در قرآن نیست که به مسئله کشتن عموم مردم برای رسیدن به مقاصد اجتماعی و سیاسی باشد. البته در داستان منافقان مدینه سخنی است که بیانگر نوعی توطئه گروهی و کشتار جمعی برای رسیدن به مقاصد اجتماعی و سیاسی می‌کند.

در آیاتی که در این باره وارد شده است منافقان در نشست‌های به این نکته اشاره می‌کنند که برای اهل یثرب دیگر مقامی در شهر نیست و آنان نمی‌توانند به شهر باز گردند و توطئه می‌کنند تا با برهم زدن جنگ به نفع دشمن و کشتن برخی از سران مؤمن، شهر را اشغال کرده و پیامبر و یارانش را به شهر راه ندهند و خود زمام امور جامعه یثرب را در اختیار گیرند. البته این حرکت دشمنان که همراه با نوعی #171؛ ترور» جمعی بود با هوشیار پیامبر و آگاه سازی خداوند نافرجام ماند.

پی‌نوشت:

[1] منظور از اینکه (بین این دو رابطه عام و خاص مطلق است) این است که: رابطه این دو با یکدیگر به این صورت است که؛ هر تروری، ارباب است ولی هر اربابی، ترور نیست.